

Residential Stability in Informal Settlements of the City of Tabriz, Iran

Morteza Mobarak Bakhshayesh¹, Aliyar Ahmadi^{2*}, Mahrokh Rajabi³, Ali Goli⁴

Abstract

Examining the factors affecting the willingness to stay long-term in informal settlements and paying attention to the amenities in this type of settlements have always been important for researchers, planners and trustees of this field. Residential stability or in other words population stability is one of the important components of population and social planning in formal and informal settlements. The purpose of this research is to explain the residential stability in the informal settlements of the city of Tabriz. The present research is a survey study and in terms of time, it is a cross-sectional study, the data of which was collected through a closed-ended questionnaire. Based on the results obtained from the research, citizens living in informal settlements have moderate residential stability and sense of social amenities. Research data shows that there is a significant relationship between feeling of social amenities, social capital, expandability, feeling of social security, social cohesion, sense of belonging to place and social identity with residential stability. The results related to the fitting of multivariate analysis models show that five variables (sense of belonging to a place, social trust, sense of social security, normativity and sense of social pleasantness) explain a total of 0.382 of the variance of residential stability. Based on the results, it can be concluded that investment in non-material components such as social capital, social trust, social security, along with the physical factor of social comfort, can be considered in urban planning.

Keywords: Residential stability, Sense of social comfort, Belonging to place, Social capital, Sense of social security.

Received: 2023-01-06

Accepted: 2023-03-07

- 1 . Ph.D. Candidate in Sociology, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran; m.mobarak2012@yahoo.com
- 2 . Associate Professor in Demography, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author); yarahmadi@shirazu.ac.ir
- 3 . Assistant Professor, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran; mrajabi79@gmail.com
- 4 . Associate Professor in Social Planning, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran; goli@shirazu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1986899.1261>

ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز

مرتضی مبارک بخشایش^۱، علی‌یار احمدی^{۲*}، ماهرخ رجبی^۳، علی گلی^۴

چکیده

ثبات یا پایداری سکونتی یکی از مؤلفه‌های مهم در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی و اجتماعی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی است. اقامت بلندمدت در یک محله موجب شکل‌گیری هویتی از مقیم بودن می‌شود که دارای پیامدهای مثبتی در راستای کمک به جامعه بوده و باعث کاستن از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز است. پژوهش حاضر، یک مطالعه پیمایشی مقطعی است که داده‌های آن از طریق پرسشنامه گردآوری شد. براساس یافته‌ها، شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی از ثبات سکونتی متوسطی برخوردار هستند که نشان‌دهنده تمایل آن‌ها برای اقامت بلندمدت در این مناطق می‌باشد. همچنین، بین احساس مطبوعیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، توسعه‌پذیری، احساس امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، احساس تعلق به مکان و هویت اجتماعی با ثبات سکونتی رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد، پنج متغیر (احساس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، هنجارمندی و احساس مطبوعیت اجتماعی) عوامل ماندگار در ارتباط با ثبات سکونتی هستند که در مجموع ۰/۳۸۲ از واریانس آن را تبیین می‌کنند. براساس نتایج، سرمایه‌گذاری در مؤلفه‌های غیرمادی همچون سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی در کنار عامل کالبدی مطبوعیت اجتماعی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ثبات سکونتی، احساس مطبوعیت اجتماعی، تعلق به مکان، سرمایه اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ m.mobarak2012@yahoo.com

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛ yarahmadi@shirazu.ac.ir

۳ استادیار جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ mrajabi79@gmail.com

۴ دانشیار برنامه‌ریزی اجتماعی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ goli@shirazu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1986899.1261>

مقدمه و بیان مسأله

با توجه به درحال توسعه بودن کشور ایران، ناگزیر فرآیند شهرنشینی و به تبع آن اسکان غیررسمی در حال گسترش است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که ناشی از توسعه شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه به‌عنوان تهدیدی جدی حیات این‌گونه از کشورها را تهدید می‌کند، شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی است.

سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای درحال توسعه به‌طورکلی توسط ریخت‌شناسی متراکم و نامنظم شهر شناخته می‌شوند. این محله‌های غیررسمی به‌ندرت توسط کسانی که از بخش رسمی شهر هستند، پر می‌شوند. از طرفی وجود چنین مکان‌هایی با زیرساخت‌های بی‌کیفیت و نامناسب از نظر دسترسی بسیار محدود به سیستم‌های بهداشتی، درمانی، آب آشامیدنی سالم، سیستم فاضلاب و دفع زباله شناخته می‌شوند. در نتیجه اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می‌شود (حسینی و مومنی، ۱۳۹۹: ۸۳). همچنین اسکان غیررسمی به‌دلیل بازتولید فقر، پایداری و انسجام جامعه شهری را مورد تهدید قرار می‌دهد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸).

ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی در مناطق حاشیه‌ای منجر به کاهش حس همسایگی و تبعات اجتماعی می‌شود. همچنین این ناهمگونی، نه فقط سبب کاهش حس تعلق به مکان شده، بلکه مشارکت‌های مردمی در اجرای طرح‌های ساماندهی شهری را کاهش می‌دهد و منجر به تشدید انگیزه مهاجرت در جمعیت قدیمی (اولیه) (رستمعلی‌زاده و نوبخت، ۱۳۹۸: ۳۷).

هویت افراد به‌عنوان مقیم در یک جامعه زمانی شکل می‌گیرد که افراد برای مدت زمان طولانی در یک جامعه زندگی کرده باشند و مسئولیت‌هایی را در جامعه خود بپذیرند. تحرک در اقامت هرچند می‌تواند برای افراد فرصت‌های شغلی بیشتر، تحصیلات بهتر و یا حتی کیفیت زندگی بیشتر فراهم کند، اما هزینه‌هایی را نیز در بردارد. افرادی که برای مدت کوتاهی در یک

جامعه ساکن هستند، به احتمال کمتری نقش مهمی برای بهبود وضعیت در محله و جامعه خود ایفا می‌کنند (اویشی و همکاران، ۲۰۰۷). کارسادا و جانویتز (۱۹۷۴) در مطالعات خود دریافتند که طول اقامت به شکل مثبتی با دوستی‌های محله‌ای، احساس تعلق به مکان و مشارکت در فعالیت‌های محلی ارتباط دارد. کانگ و واک (۲۰۰۳) نیز در همین راستا در مطالعه خود مطرح کردند که طول مدت اقامت در یک جامعه پیش‌بینی‌کننده مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی در آن جامعه است. اقامت طولانی‌مدت در یک محله و مالکیت منزل مسکونی موجب شناخت بیشتر همسایه‌ها از یکدیگر شده و تعداد دوستانی را که در همسایگی قرار دارند، افزایش می‌دهد. همچنین باعث تقویت مشارکت در رخدادهای محلی می‌گردد (شیخ بیگلو، ۱۳۹۴).

یکی از عوامل مهم در افزایش ثبات سکونتی در مناطق مختلف شهری مطبوعیت‌های^۱ موجود در سکونتگاه‌ها است. بررسی ثبات سکونتی و کیفیت زندگی در مناطق حاشیه‌ای در ابتدا نیازمند مطالعه دقیق شاخص‌های مطبوعیت موجود در این گونه سکونتگاه‌ها است. سازمان‌های برنامه‌ریز و سیاست‌گذاران، نیازمند اطلاعات بهتری در ارتباط با شرایط حاکم بر سکونتگاه‌های غیررسمی، به منظور پیاده‌سازی سیاست‌های مؤثر شهری در راستای ارتقاء کیفیت زندگی هستند. مقاله حاضر بر این باور است، تا زمانی که مطبوعیت‌های جذب‌کننده مهاجران به این نوع از سکونتگاه‌ها و حس تعلق و ثبات سکونتی افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها توسط روش‌های علمی در جامعه آماری، مورد مطالعه قرار نگیرد، امکان برنامه‌ریزی کاربردی برای سامان‌دهی یا توانمندسازی ساکنان این نوع از سکونتگاه‌ها وجود نخواهد داشت. بنابراین پیش از اجرای هر نوع برنامه‌ای در راستای بهبود وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی، ضروری است تا ادراک ساکنان از مطبوعیت‌های این نوع از سکونتگاه‌ها با رویکردی علمی مطالعه و احصاء شده و براساس نتایج به‌دست آمده، سازمان‌های متولی و برنامه‌ریزان اقدام‌های لازم را انجام دهند.

شهر تبریز به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای کشور، به‌عنوان مقصد مهاجرین در منطقه شمال

غرب کشور مطرح بوده و به دلیل عدم تطابق شرایط اجتماعی و اقتصادی جمعیت مهاجر با ساختار قیمت زمین و مسکن در داخل شهر تبریز، به اراضی اطراف شهر رانده می‌شوند. تداوم مهاجرت روزافزون جمعیت به شهر تبریز، احداث مسکن با مصالح نامرغوب و سازه ناپایدار، سکونت اقشار فقیر با مشاغل ناپایدار و نامشخص، نرخ رشد بالای جمعیت، شبکه ارتباطی نامناسب و غیره را در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر به دنبال دارد (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۴: ۳۷).

علیرغم این‌که داشتن آمار دقیق و شفاف یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در خصوص جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی است، بنا به دلایل نامشخص آمار دقیقی از جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در درگاه‌های آماری دستگاه‌های مرتبط نظیر وزارت کشور، مرکز آمار یا شهرداری‌ها منتشر نشده است. با این وجود مناطق مسکونی که در طبقه‌بندی‌های شهری تحت عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های حاشیه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند، می‌توان این جمعیت را بیش از ۴۰۰ هزار نفر برآورد کرد.

با توجه به مشکلات و تهدیدات ناشی از سکونتگاه‌های غیررسمی برای شهر تبریز و سکونت جمعیت بالای این مناطق، بررسی ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظر به شناسایی تاثیر و تاثیر عوامل مرتبط با ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز، یافته‌های تحقیق راهگشای مدیران و تصمیم‌گیران ملی و محلی در اجرای برنامه‌های توانمندسازی و حل مشکلات این‌گونه از سکونتگاه‌ها می‌باشد.

مبانی نظری

از عوامل کالبدی - محیطی و عوامل اجتماعی - فرهنگی به‌عنوان دو دسته از عوامل تاثیرگذار بر ثبات سکونتی یاد می‌شود. تراکم در محلات به‌عنوان یک عامل محیطی حائز اهمیت است. ساکنان، میزان تراکم موجود در محیط را نه بر مبنای تراکم‌های عددی آن محیط، بلکه براساس قضاوت ذهنی ادراک می‌کنند. این ادراک و قضاوت ذهنی به نشانه‌ها و عواملی وابسته است که

عوامل کالبدی از مهم‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید. دسترسی به وسایل نقلیه عمومی، قابلیت پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، کیفیت بهتر مسکن، کیفیت مدرسه، از دیگر عوامل هستند. از طرف دیگر افراد برای تنظیم نیازهای سکونتی خود و ترجیحات متغیر خود حرکت می‌کنند و این ترجیحات در یک خلا زمینه‌ای شکل نمی‌گیرند. آن‌ها به شدت با هنجارهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و مداخلات سیاسی و جغرافیای خویشاوندی و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط هستند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰).

در تبیین نظری، رهیافت اقتصادی با اتکا بر نظریه کنش عقلانی بر کنشگری تاکید دارد که می‌کوشد محل سکونت خود را براساس پارامترهای کارکردی و اقتصادی مثل نزدیکی به محل کار، قیمت و اندازه مسکن برحسب درآمد و زمینه‌های اجتماعی، بهینه کند. در اینجا، عقلانی بودن اشاره به ارتباط منطقی بین شرایط واقعی و تصمیم‌های اتخاذ شده در آن شرایط دارد. از طرف دیگر، در رویکردهای انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مبتنی بر نظریه‌های کنش اجتماعی، انتخاب به لحاظ اجتماعی براساس پیوندهای خانوادگی، سنت، فرهنگ و روش‌های زندگی و حتی جایگاه اجتماعی افراد صورت می‌گیرد. پژوهشگرانی چون بوردیو بر پیوند بین جایگاه اجتماعی خانواده (جایگاه طبقاتی، عادت‌واره و...) و اهمیت ویژگی‌های اجتماعی محیط تأکید دارند. برخی دیگر استدلال می‌کنند که خانواده و شبکه‌های اجتماعی، نقش مهمی در انتخاب خانوادگی محل سکونت دارند و انتخاب محل سکونت براساس ویژگی‌های فیزیکی (راحتی، دسترسی به محل کار) و اجتماعی (کیفیت مدراس، نرخ جرم/امنیت، ترکیب قومی) محل صورت می‌گیرد (همتی، تقی‌پور و بیات، ۱۳۹۳).

رویکرد خرده‌فرهنگی^۱ بر اهمیت دلبستگی و پیوستگی محله متمرکز است. فیری^۲ (۱۹۴۷) استدلال می‌کند که انگیزه اصلی خانواده‌ها برای رفتن یا ماندن در یک محل، ممکن است تنها

1 Subcultural Approach

2 Firey

عوامل اقتصادی صرف نباشد. مکانی که در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند روابط احساساتی و نمادین را برانگیزاند که فرد را به محله متصل می‌کند. خرده‌فرهنگ‌گرایان تصور می‌کنند که دلبستگی ساکنان به محله خود و اراده آن‌ها برای بهبود منطقه، تعیین‌کننده‌های مهمی برای تغییر یا تثبیت محله‌ای به‌شمار می‌روند. به‌طورکلی، رویکرد خرده‌فرهنگی بر اهمیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، چون دلبستگی و پیوستگی به محله یا تعلق به محله تأکید دارد. پیوندهای اجتماعی که فرد با محله ایجاد می‌کند، باعث ماندگاری و مشارکت فرد در محله می‌شود و می‌تواند در آینده محله مؤثر باشد (رستمعلی‌زاده و نوبخت، ۱۳۹۸: ۴۳).

به نظر می‌رسد، یکی از دلایلی که باعث ماندگاری ساکنین در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود، حس تعلق به مکان باشد. نوربرگ شولتز (۱۹۹۷) معتقد است که مکان به انسان هویت می‌دهد. بنابراین اگر انسان‌ها در مکانی قرار گیرند که هیچ سنخیتی با وجودشان نداشته باشد، احتمال اینکه هویت خود را از دست بدهند، وجود دارد. با تکیه بر نگرش پدیدارشناختی می‌توان اذعان کرد که مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است. مکان کلیتی است که از اشیا و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، جنس، شکل و رنگ است. مجموعه این عناصر با هم شاکله محیطی را تعریف می‌کنند (ذکری و جمالزاده، ۱۳۹۶: ۲۹۴).

برنامه‌ریزی محله‌مبنا بر این نکته تأکید دارد که ساکنان محله‌ها طی تجربه مشترک و طولانی زندگی در یک محیط می‌توانند بسیاری از نیازها و ضرورت‌های روزمره زندگی خود را تشخیص داده و در هماهنگی با مدیریت‌های سطوح بالاتر به ایجاد محله‌های شهری پایدار کمک کنند، این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. در بعد برنامه‌ریزی، تمرکززدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت یک نظام خودگردان برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای از دیگر مشخصه‌های عمده است که با تکیه بر سرمایه اجتماعی می‌توان آن‌ها را به‌نحو مطلوب در شهرها به مرحله اجرا درآورد (سرگلزایی جوان و هادیانی، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

جین جیکوبز (۱۹۶۱) «سرمایه اجتماعی محله» را عاملی مهم در افزایش امنیت محله، جریان اطلاعات در بین ساکنان محله و همیاری در امور مشارکتی می‌داند. در محله‌هایی که سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد، مسائل اجتماعی مثل اعتیاد، جرم و غیره کمتر است؛ به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در سطح محله، افزایش امنیت محله و کاهش جرایم را در پی خواهد داشت. به‌طورکلی محله‌هایی با سرمایه اجتماعی بیشتر، امن‌تر هستند، از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسائل محلی دارند. بنابراین، سرمایه اجتماعی دسترسی به منابع بیرونی را بهبود می‌بخشد و عامل تسهیل همکاری و هماهنگی می‌شود که دستیابی به اهداف را با هزینه کمتر امکان‌پذیر می‌سازد (سرگلزایی جوان و هادیانی، ۱۳۹۵: ۱۹۵). در اجتماعات محلی با سرمایه اجتماعی بالا، مردم احساس خواهند کرد که جزئی از محله هستند، و بنابراین احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آن‌ها برای مشارکت واقعی در محله تقویت می‌گردد و در آن احساس امنیت می‌کنند (شیخ بیگللو، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

پیشینه پژوهش

اثر مؤلفه‌های زیرساختی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در رضایت ساکنین از محله در پژوهش اسکوتی ارس (۱۴۰۱) که به بررسی ویژگی‌های ساختاری سکونتگاه‌های رسمی در تبریز پرداخته، مورد تأکید قرار گرفته است. در مطالعه پورمحمدی، حکیمی و میرزایی (۱۳۹۸)، نیز رضایتمندی از عملکرد مدیریت شهری در تمایل به ماندن در محله مؤثر نشان داده شده است. به همین ترتیب ملکی، امانی و شاهرخزاده (۱۳۹۶)، معتقدند که سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه توزیع غیرعادلانه منابع، فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم‌درآمد و ارزان‌قیمت بودن زمین در فضاهایی با شرایط طبیعی نامناسب، بیشترین تأثیر را در سازمان‌یابی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز، طی ادوار مختلف گذاشته است.

رستمعلی‌زاده و نوبخت (۱۳۹۸)، نشان دادند مهم‌ترین عوامل ماندگاری سکونتی عبارتند از: وجود تعداد زیاد خویشاوندان در یک محله، افزایش سن، تعداد فرزندان بیشتر و مدت زمان

اقامت در ماندگاری افراد در محله. از طرف دیگر، افزایش تحصیلات و دارا بودن سطح درآمدی بالاتر احتمال جابجایی سکونتی به منظور بهبود کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. آرلاند و راید^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که مالکیت منزل مسکونی در نروژ، به‌ویژه برای مهاجران رابطه معنادار و بسیار قوی با ثبات سکونتی دارد.

شیخ بیگلو (۱۳۹۴) معتقد است درصد بالایی از تغییرات مرتبط با تمایل به ماندگاری در محله و شهر با عوامل اجتماعی قابل تبیینند. ارباب، عزیزی و زبردست (۱۳۹۴) نیز شکل‌گیری هویت مکان را عاملی کلیدی در توسعه شهری جدید می‌داند. اویشی^۲ و همکاران (۲۰۰۷) نشان می‌دهند که ثبات سکونتی منجر به شکل‌گیری هویت بادوام‌تر و قوی‌تری نسبت به جامعه و محل زندگی می‌شود که این امر خود به رفتارهای حمایتی نسبت به اجتماع ختم می‌شود. شریواستاوا و سینگ^۳ (۲۰۱۹) مطرح می‌کنند که دستیابی به توسعه پایدار بدون توجه به ایجاد پایداری اجتماعی در محلات ممکن نیست. پایداری اجتماعی در صورتی که مورد توجه قرار گیرد به سلامت روحی افراد کمک به‌سزایی می‌کند.

یکی از عامل‌های مهم در ماندگاری سکونتی افراد سرمایه اجتماعی افراد است. ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که از میان متغیرهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی محله، بالاترین تاثیر مربوط به شرکت در مراسم مذهبی در محله است. همچنین در این مطالعه ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ثبات مسکونی و ویژگی‌های محل سکونت افراد مورد تأیید قرار گرفت. جمالی، پورمحمدی و شریف‌نژاد (۱۳۸۹)، به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی به‌عنوان چسب نگهدارنده کنشگران حاشیه‌نشین در شهر تبریز باعث توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی و ارتقای محیطی شده و ضمن تسهیل فرایند توسعه پایدار شهری آن را به کالایی عمومی تبدیل می‌کند. همچنین همتی، تقی‌پور و بیات

1 Aarland & Reid

2 Oishi

3 Shrivastava & Singh

(۱۳۹۳)، معتقدند که سه متغیر رضامندی از محل سکونت، سرمایه اجتماعی و اهمیت حفظ حریم خصوصی، در تبیین گرایش به جابه‌جایی سکونتی نقش دارند. طارق بشار^۱ (۲۰۲۲)، به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی نقش بالقوه‌ای در افزایش ثبات سکونتی در میان فقرای شهری دارد.

در ارتباط با مطبوعیت اجتماعی به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر ثبات سکونتی پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۳) این نتیجه رسیدند که ارتباط مستقیمی بین مطلوبیت اجتماعی و سکونت‌پذیری وجود دارد. میرزایی و شریفی (۱۳۸۷) نیز نشان می‌دهند که پاسخگویان ارزش‌های مطبوعیت شهری را مهم ارزیابی نموده‌اند و مطبوعیت‌ها از لحاظ کمی و کیفی، تمایزات درونی و چگونگی توزیع در مناطق مورد بررسی دارای اختلاف‌های معنی‌دار هستند. داداشی و پهلوان‌پور (۱۳۹۱) نیز معتقدند عدم توجه به شرایط مناطق و کیفیت فضاهای شهری، احتمال جرم‌خیزی این مناطق را افزایش و در نتیجه مطبوعیت اجتماعی را کاهش می‌دهد.

دکا^۲ (۲۰۱۲) معتقد است که مسکن و دیگر مطبوعیت‌های پایه مانند آب آشامیدنی، امکانات بهداشتی، برق، و فاضلاب شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی در مناطق مسکونی می‌باشند. کومار^۳ (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد دسترسی به مطبوعیت‌های پایه، عامل مهم در کیفیت زندگی محلات در هند است. کورنی، ایوس و بکسی^۴ (۲۰۱۵) معتقدند که مطبوعیت اصطلاحی است که در سیاست‌های عمومی و محیط زیست سازمان‌ها را در پاسخ‌گویی به تأکید روزافزون بر منافع انسانی که از اکوسیستم اخذ شده‌اند، مدیریت می‌کند.

بیمیساه^۵ و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که ذینفعان با کمک شاخص مطبوعیت‌های اجتماعی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. محل‌هایی که از مطبوعیت اجتماعی پایین تری برخوردارند،

1 Toriqul Bashar

2 Deka

3 Kumar

4 Corney

5 Beamesaa

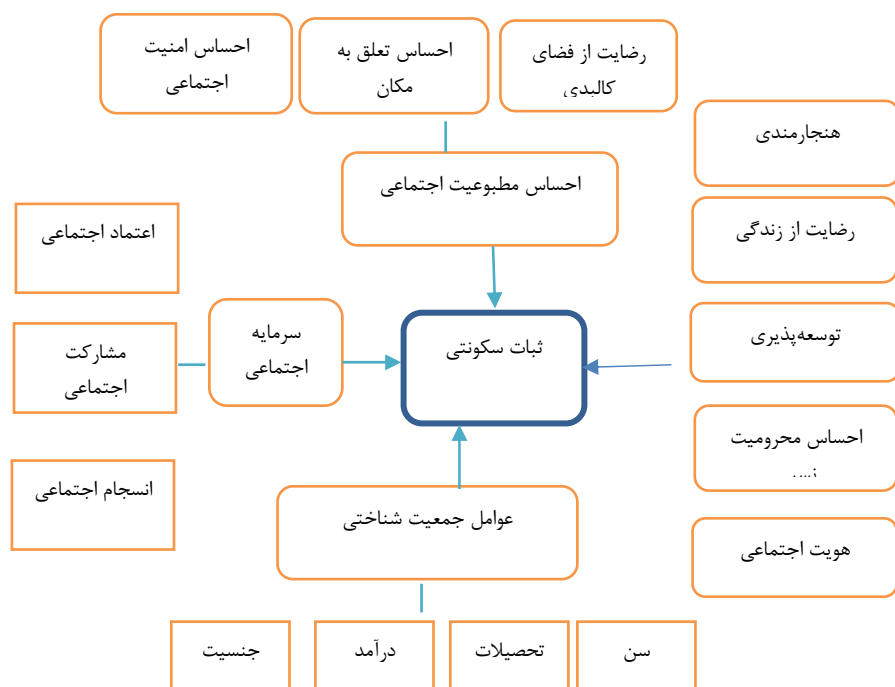
شانس کمتری برای انتخاب شدن دارند. کارلینو و سائز^۱ (۲۰۱۹)، معتقدند که نظریه اقتصاد شهری جدید و سیاست‌گذاران در حال تدارک مطبوعیت‌های فراغتی به‌عنوان روشی برای جذب جمعیت، به‌ویژه افراد ماهر و کارفرمایان هستند. خلاصه نتایج برآمده از مطالعات مختلف در جدول ۱ مورد اشاره قرار گرفته است.

جدول ۱- متغیرهای استخراج شده از پیشینه تحقیق

متغیر استخراج شده	عنوان پیشینه تجربی
احساس مطبوعیت اجتماعی	میرزایی و شریفی (۱۳۸۷)، پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۳)، ارژنگی (۱۳۹۴)، دکا (۲۰۱۲)، کومار (۲۰۱۴)، کورنی، ایوس و بکسی (۲۰۱۵)، الیستر بیمیسا و همکاران (۲۰۱۸)، کارلینو و سائز (۲۰۱۹)، جمالی، پورمحمدی و شریف‌نژاد (۱۳۸۹)، همتی، تقی‌پور و بیات (۱۳۹۳)، ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۸)، والاس (۲۰۰۶)، طارق بشار (۲۰۲۲)،
هویت اجتماعی	اویشی و همکاران (۲۰۰۷)،
تحصیلات، سن، درآمد	رستمعلی‌زاده و نوبخت (۱۳۹۸)، همتی، تقی‌پور و بیات (۱۳۹۳)، شیخ بیگلو (۱۳۹۴)، آرلاند و رایب (۲۰۱۹)، روی و همکاران (۲۰۱۶)، اسکوتی ارس (۱۴۰۱)، پورمحمدی، حکیمی و میرزایی (۱۳۹۸)، علیپور و شهبابیان (۱۳۹۸)، همتی، تقی‌پور و بیات (۱۳۹۳)،
توسعه‌پذیری احساس محرومیت نسبی	امانی و شاه‌خزاده (۱۳۹۶)، جمالی، پورمحمدی و شریف‌نژاد (۱۳۸۹)، نعمت‌اللهی (۱۳۹۴)، شریواستاوا و سینگ (۲۰۱۹)، امانی و شاه‌خزاده (۱۳۹۶)،
احساس تعلق به مکان احساس امنیت اجتماعی	ارباب، عزیزی و زبردست (۱۳۹۴)، داداشی و پهلوان‌پور (۱۳۹۱)،

نگاهی گذرا به پژوهش‌های داخلی صورت گرفته، نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه کارهای زیادی در خصوص سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفته، اما موضوع ثبات سکونتی در این نوع از سکونتگاه‌ها و عوامل مؤثر بر آن از جمله موضوع مطبوعیت‌های اجتماعی مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

مدل مفهومی تحقیق در نمودار ۱ نمایش داده شده است. بر این اساس متغیرهای احساس مطبوعیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هنجارمندی، رضایت از زندگی، توسعه‌پذیری، احساس محرومیت نسبی، هویت اجتماعی در کنار عوامل جمعیت‌شناختی در ارتباط با ثبات سکونتی در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به ادبیات نظری و تجربی موضوع، فرضیات زیر در پژوهش حاضر، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

- بین احساس مطبوعیت اجتماعی و ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی رابطه وجود دارد
- بین هویت اجتماعی، رضایت از زندگی، توسعه‌پذیری، حس تعلق به مکان و ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و ثبات سکونتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای سن و ثبات سکونتی شهروندان رابطه وجود دارد. همچنین ثبات سکونتی از نظر مالکیت مسکن، مدت سکونت، میزان تحصیلات، جنسیت پاسخگو و وضعیت تأهل تفاوت دارد.

روش و داده‌های تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی، از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی است. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. اعتبار و پایایی پرسشنامه به ترتیب از طریق اعتبار صوری و ضریب آلفای کرونباخ (روشی برای محاسبه همگنی درونی ابزار اندازه‌گیری) تأیید شده است. ضریب آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۶ و همچنین ضریب آلفای کرونباخ متغیر وابسته ثبات سکونتی ۰/۹۳۲ محاسبه شده است.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در ۱۸ محله حاشیه‌نشین (سکونتگاه غیررسمی) شهر تبریز به تعداد تقریبی ۴۰۰۰۰۰ نفر است و از بین آن‌ها ۳۸۴ نفر شهروند به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند که تعدادشان از طریق فرمول کوکران برآورد گشته است.

در جهت تعیین نمونه‌های مورد نظر و مراجعه به آنان، با توجه به جامعه آماری مورد مطالعه، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به روش تصادفی استفاده شده است. سئوالات پرسشنامه براساس طیف لیکرت (با گویه‌های پنج گزینه‌ای) طراحی گردیده‌اند. ضمناً با توجه به حساسیت متغیرهای تحقیق تا حد امکان از سئوالات استاندارد برای سنجش ابعاد مختلف متغیرهای پیش بین و ملاک استفاده شده است.

متغیر وابسته تحقیق ثبات سکونتی و متغیرهای مستقل شامل متغیرهای جمعیتی (جنسیت، سن، بعد خانوار و وضعیت تاهل) و متغیرهای تبیینی هویت اجتماعی، احساس مطبوعیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، هنجارمندی، اعتماد تعمیم‌یافته)، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حس تعلق به مکان، رضایت از زندگی، توسعه‌پذیری، احساس امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌باشند. در جدول ۲، گویه‌های استفاده شده برای سنجش متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق ارائه شده است. پاسخگویی به این سئوال‌ها براساس طیف لیکرت بوده است.

داده‌های تحقیق حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش توصیفی جداول فراوانی و آماره‌های توصیفی مانند فراوانی مطلق، فراوانی نسبی (درصدها)، میانگین و انحراف معیار مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق ارائه شده و در بخش استنباطی با توجه به سطوح مختلف سنجش متغیرها از روش‌های آماری مناسب در سطح سنجش مانند آزمون‌های آماری مقایسه تفاوت میانگین‌ها، تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

جدول ۲- تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

تعریف عملیاتی	متغیر
به ادامه زندگی در محل سکونت فعلی تمایل دارم. نسبت به آینده محل سکونت فعلی خوش‌بین هستم. تمایل به مشارکت جهت بهبود وضعیت محله دارم. تمایل دارم فرزندم (فرزندانم) نیز در همین محله ادامه زندگی دهد. اگر شهرداری بخواهد وضعیت محله را بهبود ببخشد، حاضرم به صورت کمک مالی مشارکت نمایم. اگر شهرداری بخواهد وضعیت محله را بهبود ببخشد، حاضرم همکاری کنم. در صورت وجود شرایط ترجیح می‌دهم محل زندگی را تغییر دهم. من برای اینکه بتوان در آینده از این محل مهاجرت کنم، برنامه‌ریزی دارم.	ثبات سکونتی (وابسته) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۹۳۲ تعداد گویه: ۸
با نوعی تضاد و تعارض در عرصه‌های مختلف اجتماعی مواجه هستم. از مقبولیت اجتماعی لازم برخوردارم. در جمع دوستان خود دارای شأن و منزلت هستم. با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده‌ام. احساس می‌کنم از خود بیگانه شده‌ام. راه‌هایی را برای رسیدن به هدف‌هایم انتخاب می‌کنم که جامعه آن‌ها را تایید می‌کند. توانایی جهت بخشیدن به زندگی فردی خود را ندارم. به تصویر درستی از نقش و موجودیت خویش که سر منشاء یک زندگی متعادل فردی است دست پیدا کرده‌ام. توانایی توصیف خویش را دارم. از مهارت‌های فردی خود برای دستیابی به حسن مشارکت استفاده می‌کنم.	هویت اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۶۶۴ تعداد گویه: ۱۰
در محیط محله، اهالی محل اطلاعات خود را در اختیار همدیگر قرار می‌دهند. بیشتر اهالی محل در رفتارهای خود صداقت دارند. در محیط محله معمولاً به سایر اهالی محل اعتماد دارم. ساکنین محله به قول خود عمل می‌کنند. به اقوام و خویشان خود اعتماد دارم. به نظر من بیشتر مردم قابل اعتماد هستند. آدم تا از کسی بدی ندیده، باید به او اعتماد کرد. می‌توان به مسئولین اعتماد کرد. مسئولین عمدتاً به قولی که داده‌اند به موقع عمل می‌کنند. مسئولین به مفید بودن نظرات ما اعتقاد دارند. مسئولین معمولاً به ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی حسن نیت دارند. قانون را حتی اگر به ضررم باشد رعایت می‌کنم. اگر کسی بر کارم نظارت نداشته باشد هم کارم را به خوبی انجام می‌دهم. از قوانین حتی اگر با چیزی که فکر می‌کنم درست است مغایر باشند اطاعت می‌کنم. معمولاً قوانین راهنمایی را وقتی پلیس باشد بیشتر رعایت می‌کنم. در جامعه‌ی ما، آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند، موفق‌ترند. میزان اعتماد به هر یک از گروه‌های زیر: پزشکان و پرستاران، مأموران پلیس، قضات، کارمندان اداری، فروشندگان و تجار و بازاریان، رانندگان، بنگاه‌داران (خودرو، مسکن و ...)	اعتماد اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۶۵ تعداد گویه: ۲۳
در طول سه سال گذشته، تا چه اندازه در مؤسسات محلی ارائه دهنده خدمات حمایتی و امدادی شرکت داشته‌اید؟ چقدر در مراسمی مثل کمک به ایتم، جشن عاطفه‌ها، جشن گلریزان و شرکت می‌کنید؟ چقدر در مراسمات ملی و مذهبی شرکت می‌کنید؟ چقدر در تفریحات دسته‌جمعی مثل پیاده‌روی‌ها، کوهنوردی‌ها و ... شرکت می‌کنید؟ چه اندازه با این نظر موافقت می‌کنید که تا جایی که می‌توان و وقت هست باید در گروه‌های مختلف عضو شد و همکاری داشت؟	مشارکت اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۳۹ تعداد گویه: ۵

تعریف عملیاتی	متغیر
من عاشق زندگی در این محل هستم. من از بودن در این محله لذت می‌برم. هنگامی که در غربت هستم احساس دل‌تنگی شدید برای محله دارم. به اینکه اهل این محل هستم افتخار می‌کنم. من زندگی در این محل را به زندگی در جای دیگر ترجیح می‌دهم.	حس تعلق به مکان (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۱۳ تعداد گویه: ۵
زندگی من از خیلی جهات به آرمان من نزدیک است. شرایط زندگی من عالی است. از زندگی ام راضی ام. تاکنون هرآنچه را که در زندگی می‌خواستم به دست آورده ام. اگر می‌توانستم زندگی دوباره داشته باشم، تقریباً هیچ چیز را تغییر نمی‌دادم.	رضایت از زندگی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۷۶۱ تعداد گویه: ۵
امکانات و خدمات آموزشی در این محل در چند سال گذشته در حد مطلوبی بهبود یافته است. امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی در این محل در چند سال گذشته در حد مطلوبی بهبود یافته است. امکانات و خدمات ورزشی در این محل در چند سال گذشته در حد مطلوبی بهبود یافته است. امکانات و خدمات تفریحی - پارکها و فضاهای سبز در چند سال گذشته در حد مطلوبی بهبود یافته است. کیفیت خدمات شهری در چند سال گذشته در حد مطلوبی بهبود یافته است.	توسعه‌پذیری (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۹۵ تعداد گویه: ۵
از حضور در پارک به تنهایی احساس امنیت می‌کنم. از پیاده‌روی در یک مسیر خلوت در شب احساس امنیت می‌کنم. هنگام مسافرت از این‌که خانه را خالی بگذارم نگران هستم. بعد از ساعت ده شب با خیال آسوده در شهر پیاده‌روی می‌کنم. از رفت و آمد کردن به منزل همسایگان احساس امنیت می‌کنم. به‌طورکلی با زندگی در این محله احساس امنیت دارم.	احساس امنیت اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۶۴۸ تعداد گویه: ۶
میزان ارتباط و تعامل خانواده‌ها با همسایگان در حد بالایی است. برای حل مشکلات همسایگان اهمیت زیادی قائل هستم. مردم شهر همکاری زیادی باهم دارند. اهالی محله همکاری زیادی باهم دارند. در مواقع مواجه شدن با مشکل از همسایگان استمداد می‌کنم. قرض دادن وسایل بین همسایگان به میزان زیادی رایج است. اهالی محل برای حل اختلافات و درگیری‌های احتمالی در محله به میزان زیادی وساطت می‌کنند. برخوردهای مردم در سطح محله دوستانه است. ساکنان محله صمیمی هستند.	انسجام اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۶۴ تعداد گویه: ۹
مکان‌هایی در محل وجود دارد که موجب حضور افراد خطرناک است (متروکه)؛ اکثر همسایگان حقوق همسایگی را رعایت می‌کنند. اغلب همسایگان به رعایت حریم خصوصی خانواده اهمیت می‌کنند. در این محله رابطه و تعامل نزدیک با همسایه‌ها خوب و صمیمی است. در این محله رعایت بهداشت و نظافت توسط سایر همسایگان از اهمیت خاصی برخوردار است. در این محله رعایت قوانین آپارتمان نشینی اهمیت دارد. کوچه‌ها و خیابان‌های محل استاندارد هستند. کیفیت جوی‌های آب و جدول کشی خیابانها از وضعیت مطلوبی برخوردار است. فضای سبز محله وضعیت مناسبی دارد. تعداد مراکز آموزشی و مدارس متناسب با نیاز مردم هستند. دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب است. فضاهای تفریح و بازی متناسب با نیاز خانواده‌ها و کودکان است. امکانات ورزشی و تفریحی ما به اندازه و مناسب است. آب و هوای اینجا در تابستانها برای زندگی بسیار مطلوب است. پایبندی به آداب و رسوم سنتی در این محل بیش از سایر محلات است.	احساس مطبوعیت اجتماعی (مستقل) ضریب آلفای کرونباخ: ۰/۸۶۲ تعداد گویه: ۱۵

یافته‌ها

اطلاعات جدول ۳، نشان می‌دهد ۴۵/۱ درصد از نمونه مورد مطالعه را پاسخگویان زن و ۵۴/۹ درصد را نیز پاسخگویان مرد تشکیل داده‌اند. میانگین مقیاس ثبات سکونتی برای پاسخگویان زن ۲۶/۵ و برای پاسخگویان مرد ۲۶/۸ بوده که نشانگر برابری تقریبی ثبات سکونتی برای هر دو جنس است. براساس یافته‌های توصیفی، احساس مطبوعیت اجتماعی در زنان (۵۸/۲) بیشتر از مردان (۵۷/۲) است. ۱۹/۶ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه را پاسخگویان مجرد و ۸۰/۴ درصد را پاسخگویان متأهل تشکیل می‌دهند که نگرش آن‌ها به ثبات سکونتی تقریباً برابر و میانگین مطبوعیت اجتماعی متأهل‌ها بیشتر از مجردها است.

براساس یافته‌های تحقیق در گروه سنی (۲۰-۳۰) ساله، میانگین ثبات سکونتی (۲۸/۳) و میانگین احساس مطبوعیت اجتماعی (۵۸/۸) بیشتر از سایر گروه‌های سنی است. آماره‌های توصیفی مربوط به مدت سکونت نیز حاکی از آن است که بیشتر پاسخگویان (۳۳/۱ درصد) در بازه زمانی (۱۰-۲۰) سال در جامعه آماری سکونت داشته‌اند، اما ثبات سکونتی (۲۷/۱ درصد) و احساس مطبوعیت اجتماعی (۵۹/۴ درصد) پاسخگویانی که زیر ۱۰ ساله در سکونتگاه‌های غیررسمی مورد مطالعه سکونت داشتند، از بقیه بیشتر بود.

آماره‌های توصیفی بدست آمده از بررسی متغیر وضعیت تحصیلات پاسخگویان حاکی از آن است که بیشتر نمونه آماری مورد مطالعه (۴۰/۳ درصد) دارای مدرک دانشگاهی هستند. اما میانگین ثبات سکونتی (۲۷/۷ درصد) در میان پاسخگویانی که دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند، بیشتر است. بررسی آماره‌های مربوط به متغیر وضعیت مالکیت محل سکونت پاسخگویان حاکی از آن است که ۵۰/۵ درصد پاسخگویان دارای ملک شخصی بوده و ۳۴/۵ درصد در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند. میانگین ثبات سکونتی پاسخگویان به لحاظ وضعیت مالکیت محل سکونت تفاوت چندانی ندارد، اما میانگین احساس مطبوعیت اجتماعی در میان ساکنین خانه‌های رهنی اندکی از بقیه بیشتر است.

جدول ۳. توزیع نمونه آماری برحسب متغیرهای زمینه‌ای و میانگین مقیاس مطبوعیت اجتماعی و ثبات سکونتی

متغیر	فراوانی	درصد	میانگین مقیاس ثبات سکونتی دامنه (۸-۴۰)	میانگین مقیاس مطبوعیت اجتماعی دامنه (۱۵-۷۵)
جنسیت	زن	۲۳۹	۴۵/۱	۵۸/۲۷
	مرد	۲۹۱	۵۴/۹	۵۷/۲۴
وضعیت تاهل	مجرد	۱۰۴	۱۹/۶	۵۶/۵۱
	متاهل	۴۲۶	۸۰/۴	۵۷/۹۹
سن	۲۰-	۳۷	۷	۵۷/۲۷
	۲۱-۳۰	۱۱۱	۲۰/۹	۵۸/۸۳
	۳۱-۴۰	۱۴۳	۲۷	۵۸/۱۵
	۴۱-۵۰	۱۳۳	۲۵/۱	۵۶/۸۳
	۵۰+	۱۰۶	۲۰	۵۷/۰۵
مدت زمان سکونت	۱۰-	۱۳۳	۲۵/۲	۵۹/۴۴
	۱۱-۲۰	۱۷۵	۳۳/۱	۵۸/۲۴
	۲۱-۳۰	۱۲۳	۲۳/۳	۵۶/۱۷
	۳۱-۴۰	۷۷	۱۴/۶	۵۶/۳۳
	۴۱-۵۰	۲۰	۳/۸	۵۵/۱۲
سطح تحصیلات	تا ۵ کلاس	۱۳۶	۲۵/۸	۵۷/۴۹
	تا ۹ کلاس	۱۴۸	۲۸	۵۷/۵۹
	تا ۱۲ کلاس	۲۱۳	۴۰/۳	۵۷/۷۵
	۱۲+ کلاس	۳۱	۵/۹	۵۸/۶۸
وضعیت مالکیت	شخصی	۲۶۵	۵۰/۵	۵۷/۱۵
محل سکونت	اجاره	۱۸۱	۳۴/۵	۵۸/۵۳
	رهن	۶۵	۱۲/۴	۵۹/۲۱
	سایر	۱۴	۲/۷	۴۹/۰۷

نتایج بررسی رابطه‌های موجود در میان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در جداول ۳، ۴ و ۵ گزارش شده است. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها برای متغیرهای مستقل جنسیت با سطح

معناداری (۰/۸۵۸) و متغیر وضعیت تاهل (۰/۶۷۱) حاکی از معنادار نبودن تفاوت میانگین‌های بدست آمده در آماره‌های توصیفی بوده و بدین معناست که مرد یا زن بودن و متاهل یا مجرد بودن تاثیری در ثبات سکونتی شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز ندارد و تفاوت میانگین‌های بدست آمده ناشی از شانس و تصادف است. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، به هر اندازه که شهروندان به سن‌های بالاتری می‌رسند، ثبات سکونتی آن‌ها کاهش می‌یابد.

جدول ۴- نتایج تفاوت میانگین‌ها (آزمون t) برای متغیر ثبات سکونتی

متغیرهای مستقل	مقدار T	سطح معناداری
جنسیت	۰/۰۳۲	۰/۸۵۸
وضعیت تاهل	۰/۱۸۱	۰/۶۷۱

براساس یافته‌های جدول ۵، تفاوت میانگین بدست آمده مقیاس ثبات سکونتی به تفکیک گروه‌های سنی معنادار است. براساس نتایج آزمون تعقیبی^۱ تنها دو گروه سنی کمتر از ۲۰ سال با گروه سنی ۲۱-۳۰ سال معنادار است. همان‌طور که یافته‌های جدول ۵، نشان داده است، تفاوت میانگین‌های بدست آمده برای مقیاس ثبات سکونتی با لحاظ سطح تحصیلات پاسخگویان، وضعیت مالکیت محل سکونت و مدت زمان سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی معنادار نیست. بدین معنا که داشتن تحصیلات بالا یا پایین تاثیری به ثبات سکونتی ندارد. شایان ذکر است که بیش از ۹۳ درصد پاسخگویان از تحصیلات غیردانشگاهی برخوردار هستند. همچنین براساس یافته‌های تحقیق داشتن ملک شخصی، مستاجر یا رهن بودن و یا سایر شیوه‌های مالکیت محل سکونت، تاثیری در ثبات سکونتی ندارد. براساس یافته‌های تحقیق، مدت زمان سکونت در یک محله، نمی‌تواند در تمایل به ثبات سکونتی مؤثر باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس بین متغیرهای مستقل و متغیر ثبات سکونتی

متغیرهای مستقل	مقدار F	سطح معناداری
سن	۲/۷۹۴	۰/۰۲۶
سطح تحصیلات	۰/۱۸۹	۰/۹۰۴
وضعیت مالکیت محل سکونت	۰/۶۶۳	۰/۵۷۵
مدت زمان سکونت	۰/۳۱۹	۰/۸۱۲

یافته‌های جدول ۶، رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را نشان داده است. همان‌طور که اشاره شده است متغیر زمینه‌ای تعداد اعضای خانوار رابطه معناداری (۰/۰۲۷) با ثبات سکونتی دارد. رابطه بدست آمده معکوس (۰/۱۰۳-) و در سطح ضعیف است. بدین معنا که در خانوارهای پرجمعیت میانگین ثبات سکونتی پایین و عکس رابطه در خانوارهای کم جمعیت تر صادق است. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیر مستقل اصلی تحقیق (احساس مطبوعیت اجتماعی) با ثبات سکونتی، حاکی از آن است که بین دو متغیر رابطه معناداری با ۰/۹۹ درصد اطمینان و در سطح متوسط (۰/۴۵۱) وجود دارد. بدین معنا که با افزایش احساس مطبوعیت اجتماعی، تمایل به ثبات سکونتی افزایش می‌یابد و برعکس کاهش احساس مطبوعیت اجتماعی موجب کاهش تمایل به سکونت در محله می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون‌های همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر ثبات سکونتی

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تعداد اعضای خانوار	-۰/۱۰۳	۰/۰۲۷
احساس مطبوعیت اجتماعی	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰
هویت اجتماعی	۰/۱۲۴	۰/۰۱۱
اعتماد اجتماعی	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
حس تعلق به مکان	۰/۵۲۶	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	۰/۰۶۴	۰/۱۶۷
توسعه‌پذیری	۰/۵۱۷	۰/۰۰۰
احساس امنیت اجتماعی	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	۰/۳۴۷	۰/۰۰۰

همان‌طور که یافته‌های جدول ۶، نشان داده است، رابطه معناداری بین متغیرهای هویت اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۱۱ و شدت رابطه ۰/۱۲۴)، اعتماد اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۵۰۵)، مشارکت اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۳۴۰)، سرمایه اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۵۱۲)، حس تعلق به مکان (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۵۲۶)، توسعه‌پذیری (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۵۱۷)، احساس امنیت اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۳۵۲) و انسجام اجتماعی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۰/۳۴۷) وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های جدول، ارتباط معناداری بین متغیر رضایت از زندگی و ثبات سکونتی وجود ندارد و بالا یا پایین بودن رضایت از زندگی، تاثیری در ثبات سکونتی ندارد.

جدول ۷. ضرایب تاثیرگذاری متغیرهای مستقل تحقیق بر ثبات سکونتی

متغیرهای تاثیرگذار	ضریب تاثیر (بتا)	ارزش T	معناداری	R	R ²	
احساس تعلق به مکان	۰/۳۵۹	۶/۲۹۴	۰/۰۰۰			
اعتماد اجتماعی	۰/۲۶۹	۳/۳۴۳	۰/۰۰۱			
احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۲۸	۲/۳۳۴	۰/۰۲۰	۰/۶۱۸	۰/۳۸۲	
هنجارمندی	-۰/۱۸۲	-۲/۵۷۶	۰/۰۱۱			
احساس مطبوعیت اجتماعی	۰/۱۶۸	۲/۳۵۷	۰/۰۱۹			
			F= ۳۳/۳۰۴		Sig= ۰/۰۰۰	

جدول ۷، متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام برای پیش بینی تغییرات متغیر وابسته ثبات سکونتی را نشان می‌دهد. براساس نتایج، با توجه به مقدار (F= ۳۳/۳۰۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، مدل کلی معنادار است. از میان متغیرهای مستقل، به ترتیب احساس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، هنجارمندی (تاثیر غیرمستقیم) و احساس مطبوعیت اجتماعی تاثیر معناداری بر متغیر وابسته ثبات سکونتی دارند. با توجه به جدول ۶، متغیر احساس تعلق به مکان با $Beta=0/359$ بیش‌ترین و متغیر

احساس امنیت اجتماعی با $Beta = -0.128$ کم‌ترین مقدار واریانس ثبات سکونتی را تبیین کرده است. تاثیر منفی هنجارمندی در ثبات سکونتی بدین معناست که به هر میزان که شهروندان ساکن در این‌گونه از سکونتگاه‌ها پایبندی‌شان به قوانین و مقررات بیشتر باشد، تمایل آن‌ها در مدل نهایی برای تداوم سکونت در محله‌های یاد شده کاهش می‌یابد که نتیجه‌ای منطقی است. چرا که عمدتاً کم‌توجهی به قوانین و هنجارهای پذیرفته شده جامعه، یکی از ویژگی‌های رفتاری مورد تائید در سکونتگاه‌های غیررسمی است. براساس یافته‌های جدول ۵ متغیرهای احساس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، هنجارمندی و احساس مطبوعیت اجتماعی، در مجموع $38/2$ درصد از واریانس متغیر وابسته ثبات سکونتی شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر، از کل واریانس ثبات سکونتی، 0.382 آن توسط این ۵ متغیر تبیین می‌شود و بقیه به عوامل دیگری بر می‌گردد که در اینجا مورد سنجش قرار نگرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به رشد و گسترش سریع شهرها، بخش عمده‌ای از جمعیت شهرها به دلیل برخی مطبوعیت‌هایی که در سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارد (وجود مسکن ارزان، دسترسی به خدمات شهری کم هزینه، وجود روابط مهر پیوند^۱، حضور خویشاوندان یا هم روستایی‌ها در آن‌جا، دسترسی به امکانات شهری با صرف هزینه‌ای کمتر حتی معادل هزینه‌های روستا، بالا بودن سطح اعتماد بین‌شخصی و اعتماد اجتماعی، وجود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، حمایت اجتماعی و...)، به این مناطق سرازیر می‌شوند. ثبات سکونتی در این سکونتگاه‌ها حائز اهمیت است.

بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است عوامل مختلفی که در ثبات سکونتی شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز دخیل‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. فرض اصلی تحقیق بر این بود که متغیر احساس مطبوعیت اجتماعی در کنار سایر متغیرها نظیر هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حس تعلق به مکان، رضایت از زندگی، توسعه‌پذیری، احساس امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی در کنار برخی متغیرهای جمعیتی به‌عنوان عوامل مرتبط با ثبات سکونتی شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز مطرح است.

براساس یافته‌های تحقیق، پنج متغیر حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، هنجارمندی و مطبوعیت اجتماعی در مجموع بیشترین تاثیر را در تبیین متغیر وابسته ثبات سکونتی دارند و ۳۸ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته ثبات سکونتی توسط این پنج متغیر تبیین می‌شود. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان داد، بین هویت اجتماعی و ثبات سکونتی رابطه معناداری وجود دارد بدین معنا که داشتن مقبولیت اجتماعی، داشتن شأن و منزلت در جمع دوستان، بیگانه نبودن با هنجارها و ارزش‌های جامعه، داشتن مهارت‌های فردی حس مشارکت و ... در افزایش تمایل به سکونت، مؤثر است.

براساس یافته‌های تحقیق، بین اعتماد اجتماعی و ثبات سکونتی شهروندان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد اجتماعی آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آن‌ها را برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی نشان می‌دهد. هر قدر شبکه‌های ارتباط اجتماعی متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. مشارکت از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه عهدشکنی، کاهش فضای ابهام‌آمیز و غیرشفاف، تقویت هنجارهای معامله متقابل، ایجاد حس اعتماد به دیگران از طریق تسهیل ارتباطات و ارائه الگوی همکاری نسبت به آینده، زمینه همکاری و اعتماد به یکدیگر را در میان کنشگران افزایش می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نشان داد، شهروندانی که توسعه‌پذیری بالایی دارند، تمایل‌شان برای ماندن در محله بیشتر است. شریواستاوا و سینگ (۲۰۱۹) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافتند. امروزه توجه به ظرفیت‌های توسعه‌ای درون مناطق شهری را به‌عنوان سیاست نوین و عملی‌ای در حوزه برنامه‌ریزی شهری پذیرفته‌اند. این توجه به‌ویژه با گسترش مفهوم توسعه پایدار شهری که در آن بهره‌گیری مؤثر و پایدار از ظرفیت‌های توسعه‌ای در درون مناطق شهری (به‌صورت بافت‌های ناکارآمد) را توصیه می‌کند، اهمیت مضاعف پیدا کرده است.

داداشی و پهلوان‌پور (۱۳۹۱) و ملکیان، عبدالهی، یارمحمدی توسکی (۱۳۹۵) به نتایج مشابهی در ارتباط با احساس امنیت اجتماعی داشته‌اند. مناطق حاشیه‌نشین شهری از جمله مستعدترین مکان‌های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی است. حاشیه‌نشینان شهری از ابعاد مختلف زندگی یعنی کالبدی (مسکن ناهنجار و فضاها نامناسب شهری)، خدمات اجتماعی و فرهنگی (رفتار اجتماعی جدا از جامعه شهری) و اقتصادی (اشتغال و درآمد) متمایز می‌شوند. نبود وسایل کارکردی در جهت دستیابی به اهداف زمینه را برای انتخاب وسایل غیرمشروع و غیرقانونی درمیان این افراد فراهم می‌کند و اتخاذ هر سیاستی برای پایه‌گذاری امنیت اجتماعی در این سکونتگاه‌ها بایستی برآورده کردن نیازهای پایه‌ای و وسایل کارکردی برای دست یابی به اهداف را در نظر داشته باشد.

براساس یافته‌های تحقیق، شهروندانی که در محله احساس امنیت اجتماعی بالایی دارند، تمایل آن‌ها به ماندن در محله بیشتر می‌باشد. داداشی و پهلوان‌پور (۱۳۹۱) و ملکیان، عبدالهی، یارمحمدی توسکی (۱۳۹۵) نیز به نتایج مشابهی دست یافته بودند. مناطق حاشیه‌نشین شهری از جمله مستعدترین مکان‌های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی است.

از طرف دیگر با تقویت انسجام اجتماعی شهروندان، تمایل آن‌ها به ماندن در محله بیشتر می‌شود. نظر به اینکه انسجام اجتماعی به‌عنوان عاملی برای نشان دادن میزان وفاق و اجماع شهروندان است، از اهمیت خاصی برخوردار است. براساس یافته‌های تحقیق شهروندانی که در

خصوصاً ارزش‌های جمعی حاکم بر جامعه، توافق بیشتری دارند، تمایل آن‌ها به ماندن در محله بیشتر است و از ثبات سکونتی بالایی برخوردارند.

براساس یافته‌های تحقیق، وجود مطبوعیت‌های اجتماعی بالا، باعث افزایش تمایل به سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود. در محلات یاد شده مطبوعیت‌هایی نظیر وجود مسکن با قیمت ارزان، حضور فامیل نزدیک در محل و ... وجود دارد. پیشنهاد می‌شود برای بالا بردن ثبات سکونتی شهروندان ساکن در این محلات، مطبوعیت‌های اجتماعی مورد توجه اهالی استخراج شده و براساس آن، برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. میرزایی و شریفی (۱۳۸۷) و پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در رشته جامعه‌شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران است که در دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از تمامی کسانی که بسترها و فرصت‌های انجام این پژوهش را فراهم کردند، تشکر می‌کنند.

منابع

اریاب، پارسا، عزیزی، محمدمهدی و زبردست، اسفندیار (۱۳۹۴)، واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، *مطالعات شهری*، ۱۲، ۷۲-۵۹.

ارژنگی، حجت اله (۱۳۹۴)، امکان سنجی به‌کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع مبنای سامان‌دهی سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: شهر اهواز)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲،

اسدی، علی. صالحی مرزیجرانی، سعید و سجاذزاده، حسن (۱۴۰۰)، تبیین نقش کیفیت محیط بر ثبات سکونتی و تمایل به جابه‌جایی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی (موردپژوهی: شهر اراک)، *معماری و شهرسازی پایدار*، ۹(۲)، ۷۹-۹۵

اسکوئی ارس، علی (۱۴۰۱)، بررسی ویژگی‌های ساختاری سکونتگاه‌های غیررسمی. مطالعه موردی: محله آخماقیه تبریز، *برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۷(۲۰)، ۸۵-۱۱۳

ایران دوست، کیومرث و پاکزاد، عرفان (۱۳۹۴)، ارزیابی دگرگونی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی در دهه گذشته (مطالعه موردی: دولت‌آباد کرمانشاه)، *رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۷)، ۱۷۵-۱۴۹.

پورمحمدی، محمدرضا. روستایی، شهریور. و اسدی، احمد (۱۳۹۳)، تحلیلی بر مطلوبیت اجتماعی و تأثیر آن بر مسکن‌گزینی (مطالعه موردی: محلات با توسعه مسکونی بالا در بافت فرسوده شهر زنجان)، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۱۷)، ۱-۱۸.

جمالی، فیروز، پورمحمدی، محمدرضا و شریف‌نژاد، جواد (۱۳۸۹)، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سرمایه اجتماعی: گفتمانی غیر کالبدی برای توسعه. مطالعه موردی: کلانشهر تبریز، *جغرافیا*، ۴(۱۴)، ۱۷۳-۱۹۴

حسینی، علی و مومنی، علی (۱۳۹۹)، تحلیل اثرات اسکان غیررسمی بر پایداری محلات شهری؛ مورد مطالعه محله فرودگاه شهر یزد، *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*، ۸(۱)، ۸۱-۱۱۱

داداشی، سعیده. و پهلوان، رسول (۱۳۹۱)، بررسی میزان نقش احساس امنیت و ایمنی در ایجاد بحران هویت شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرهای بزرگ، مقاله ارائه شده در *اولین همایش ملی مدیریت بحران شهری با چشم‌انداز افق ۱۴۰۴*، ابهر، ۲۳ آذر ۱۳۹۱.

ذکری، عباس و جمالزاده، سمانه (۱۳۹۷)، ارزیابی عوامل حس تعلق به مکان در بهبود کیفیت زندگی ساکنان خانه سالمندان، *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۲۵، ۲۹۳-۳۰۰.

ربانی خوراسگانی، رسول. وارثی، حمیدرضا و طاهری، زهرا (۱۳۸۸)، تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان نمونه موردی: ارزنان و دارک، *جغرافیا و توسعه*، (۱۳)۷، ۱۲۵-۹۳.

رستمعلی‌زاده، ولی اله و نوبخت، رضا (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت جابجایی درون شهری در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، *مطالعات جمعیتی*، (۲)۵، ۶۲-۳۵.

سرگلزایی جوان، طیبه و هادیانی، زهره (۱۳۹۵)، امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان، *رفاه اجتماعی*، (۶۳)۱۶، ۲۱۳-۱۸۵.

شیخ بیگلو، رعنا (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ثبات سکونت در شهرها و محله‌های شهری. مطالعه موردی: شهر اراک، *آمایش جغرافیا فضا*، (۲۳)۷، ۱۷۲-۱۵۱.

علیپور، درسا و شهابیان، پویان (۱۳۹۸)، ارزیابی عوامل مؤثر بر رضایتمندی از کیفیت محیطی محلات مسکونی، نمونه موردی: شهر جدید پردیس، *آمایش محیط*، (۴)۶، ۳۹-۲۱.

ملکی، سعید. امان‌پور، سعید و شاهرخ زاده خواجه، ولی (۱۳۹۶)، سازمانی‌ابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلاشهر تبریز، *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، (۱)۵، ۸۹-۱۰۶.

ملکیان، اکرم. عبدالهی، اسماعیل. و یار محمدی توسکی، مریم (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر سکونتگاه‌های غیررسمی بر احساس امنیت اجتماعی «مطالعه موردی: یحیی آباد آران و بیدگل»، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، (۹)۵، ۸۹-۷۵.

میرزایی، علی. حکیمی، هادی و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از خدمات ارائه شده مدیریت شهری. مطالعه موردی: محله پاسداران تبریز، *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، (۳)۱۴، ۶۰۳-۵۸۵.

میرزایی، محمد و شریفی، منصور (۱۳۸۷)، تاثیر مؤلفه‌های جمعیتی بر احساس مطبوعیت محیطی، پژوهشی در پنج منطقه انتخابی شهر تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، (۳)۶، ۳۵-۶۶.

نعمت‌اللهی، سیمین دخت (۱۳۹۴)، تحلیل جامعه‌شناختی ناپایداری توسعه شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان شهرها، نمونه موردی شهر تبریز، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۷(۲۶)، ۳۷-۵۱.

Aarland, K., & Reid, C. K. (2019). Home ownership and residential stability: does tenure really make a difference?. *International Journal of Housing Policy*, 19(2), 165-191.

Bashar, T (2022), Residential stability of the urban poor in Bangladesh: The roles of social capital, *Journal of Cities*, 126, 1-12.

Beamesa, A., Steven Broekxa, Uwe Schneidewindc, Dries Landuytd, Maarten van der Meulena, Reinout Heijungse, Piet Seuntjensa (2018). Amenity proximity analysis for sustainable brownfield redevelopment planning, *Landscape and Urban Planning*, 171, 68-79.

Bures, R. M. (2006). Childhood residential stability and health at midlife. *American Journal of Public Health*, 93(7), 1144-1148.

Carlino, Gerald A. Albert Saiz (2019). Beautiful City: Leisure Amenities and Urban Growth, *Journal of Regional Science*, 59, 369-408.

Corney, Helen. Christopher D. Ives and Sarah Bekessy (2015). Amenity and Ecological Management: A Framework for Policy and Practice, *Ecological Management & Restoration*, 16(3), 199-205. <https://doi.org/10.1111/emr.12177>

Deka, Nijara (2012). Access to Housing and Basic Amenities in Urban India: An Interstate Analysis, 2002-2012, Research Scholar, Centre for the Study of Regional Development, School of Social Sciences, Jawaharlal Nehru University, New Delh.

Kang, N., & Kwak, N. (2003). A multilevel approach to civic participation: Individual length of residence, neighborhood residential stability, and their interactive effects with media use. *Communication Research*, 30 (1), 80-106.

Kasarda, J. D., & Janowitz, M. (1974). Community attachment in mass society. *American Sociological Review*, 328-339.

Kumar, Arjun (2014). Access to Basic Amenities: Aspects of Caste, Ethnicity and Poverty in Rural and Urban India—1993 to 2008-2009. *Journal of Land and Rural Studies*, 2(1), 127-148.

Oishi, S., Rothman, A. J., Snyder, M., Su, J., Zehm, K., Hertel, A. W.,... Sherman, G. D. (2007). The socioecological model of procommunity action: the benefits of residential stability. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93 (5), 831.

Roy, E. Robert, M. Fournier, L. Laverdiere, E. Berbiche, D. Boivin, J (2016), Predictors of residential stability among homeless young adults: a cohort study, *BMC Public Health*, 16 (1), P 1-8

- Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Earls, F. (1997). Neighborhoods and violent crime: A multilevel study of collective efficacy. *Science*, 277 (5328), 918-924.
- Shrivastava, V., & Singh, J.(2019), Social Sustainability of Residential Neighbourhood: A Conceptual Exploration, *International Journal on Emerging Technologies*, 10(2): 427-434.
- Wallace, G. (2006). Residential stability, social capital and parenting quality among African-American mothers, PhD Dissertation in Philosophy, Iowa State University Capstones.